

نظاره گر بودن، بیماری فرهنگی این روزهای ما است

تماشاچیان دنیای واقعی، قهر مانان دنیای مجازی

بیموزیم واکنشی مستقل و هوشمندانه تر در بحران های آینده داشته باشیم



عکس: بهمن غلامحسینی / شهرود

کاش در پلاسکو عادت بد و بی فرهنگی هایمان زیر آوار بماند

میلاد صمیمی نعمتی | امدادگر

پلاسکو پیر دوباره بهانه‌ای شده تا از امداد و تجهیزات مورد نیاز و چراها و چگونگی‌های بی‌شمار حرف بزیم و شاید به عادت تاریخ بعد از مدتی پلاسکو هم شود خاطرهای در حدواندازه‌های میدان کاج و موارد زیادی که حالا از آنها تنها در نوشته‌ها و گذری به گذشته به یاد می‌آوریم. پلاسکو، برج قدیمی تهران که پانصدخوردی‌های واحد تجاری را در دل خود داشت در قلب تهران ۵۴سال جاجوش کرده بوده و واحدهایی پر از جنس، بار، تجار، کارگران و خریداران. اگر فرض را بر این بگذاریم که در هر واحد ۲ نفر کار می‌کردند می‌شود ۱۰۰۰ صاحب ملک و اگر در آن روز هر مغازه دو مشتری را نیز به خود می‌خواست اختصاص بدهد می‌شد ۲۰۰۰ نفر؛ معادله‌ای به همین سادگی اما آن روز با اینکه هنوز فرصت برای آمدن مشتری‌ها باقی بود آتش به جان پلاسکو افتاد اما در نابوری محض چهارراه استانبول قفل شدا قفلی که کلیدش تنها در دست خود مردم بود اما در اوج نابوری این قفل باز نشد و اگر کلید تکانی در قفل می‌خورد باز موفق به باز شدن نمی‌شدا کلیدی به وسعت خیابان‌های اطراف پلاسکو که همه موبایل به دست بودند برای گرفتن عکس و فیلم. بی‌آنکه به این مساله اندیشیده باشند که اگر مسیر باز باشد نفسی عمرش به دنیا خواهد بود و شعله‌ای زودتر خاموشی را به خود خواهد دید. شاید به دید این تماشاچیان که در هر حادثه‌ای پشت لنزهای شان مخفی می‌شوند تا لایکی به دست بیاورند شهر نیازی به آتش نشان و امدادگر ندارد و وجودشان در شرایط بحرانی الزامی نیست که آنها ثانی‌های حاضر به چشم‌پوشی از نقش تماشاچی بودنشان بر نمی‌دارند. شاید به گمان تماشاچیان حوادث و بحران‌ها مشکل از بچه‌های آتش نشانی است که با هر اتفاقی در کسری از ثانیه خود را در مسیر می‌یابند و با خودروهای بزرگ و قرمز رنگ‌شان کلی آلودگی صوتی به وجود می‌آورند و آژیر کشان پشت بلندگو فریاد می‌زنند راه راه راباز کنیدا شاید به خیال آنها اگر بچه‌های امدادونجات نبودند آنها کار را بهتر پیش می‌بردند و حادثه مصدوم نداشت و آتش زودتر خاموش می‌شدا اصلا تهران به آتش نشانی نیاز ندارد. با این همه تماشاچی موبایل به دستا متأسفانه تب لایک گرفتن و حرص و ولع فالورهای دنیای مجازی تماشاچی‌ها رو بیشتر از گذشته کرده، تماشاچیان که شاید از سر کنجکاری راه را بند می‌آورند و ناخواسسته به مرگ دیگران کمک می‌کنند و واقعیت پلاسکو شاید از نظر کسانی که در صحنه حضور داشتند، این بود که آتش نشانیان قبل از اینکه در حریق و آوار محاصره شوند در محاصره تماشاگران تنگی نفس گرفتند. تماشاگرانی که به فریاد آژیرها بی‌اعتنا بودند و بی‌وقفه سلفی‌هایی بودند که ثبت می‌شدند پلاسکو سوخت و آوار شد و بعد دوباره بر سر آوار اشک ریختند و دوباره سلفی گرفتند؛ سلفی‌هایی که در شبکه‌های مجازی جولان دادند و باز با آنها اشک ریختیم و اما لحظه‌ای به این نیندیشیدیم که اگر این سلفی‌ها و کلیپ‌ها نبود شاید خودروهای امداد زودتر می‌رسیدند، شاید اگر مغازه‌داران به ساختمان هجوم نمی‌بردند تلفات کمتری را شاهد بودیم، و شایدهای زیادی که اگر جوابی برای آنها بود امروز در غم پلاسکو اینگونه غم‌بار نبودیم. کاش با پلاسکو عادت‌های بدمان زیر آوار بماند.

از تجربیات تلخ درس بگیریم

مازایار عسکری | آتش نشان

صحنه‌های مختلف حوادث و اتفاقات نشان از این دارند که عده‌ای با حادثه‌های خود را به محل مورد نظر می‌رسانند تا تماشاگر ماجرا باشند؛ تماشاگرانی که بیشترشان نه برای کمک بلکه برای به نظاره نشستن و فیلم گرفتن حضور دارند؛ تماشاگرانی که گاهی نام خبرنگار-شهرنورد بر خود می‌گذارند و ابزار می‌شوند برای رسانه‌های فارسی زبان بیگانه؛ به عنوان مثال در حادثه کوهستان عملیاتی استارت خور و عملیاتی که به ساعت زمان نیاز داشت و تماشاگران ماجرا اذعامی کردند که شما باید عرض ۳ دقیقه باید عملیات را اجرایی می‌کردید و متأسفانه ماجرا به اینجا ختم نشد و یکی از شبکه‌های فارسی زبان بیگانه از دیر رسیدن گروه سر صحنه حادثه می‌گفت! امدادگر با آتش نشان متخصص شرایط بحرانی و مهار حوادث است. تخصصی که نیازمند تمرکز است و در بیشتر مواقع حضور تماشاگران محل تمرکز لازم است. حادثه پلاسکو، بحرانی با ابعاد مختلف بود و انتظار نمی‌رفت جمعیتی به آن گستردگی در محل حاضر باشند؛ جمعیتی که بی‌اعتنا به وخامت ماجرا و گستردگی عملیات مشغول سلفی گرفتن و فیلمبرداری بودند و در این حین به این نکته توجه نداشتند که باید مسیر ماشین‌های آتش نشانی و امدادی راباز کنند و به نجات حتی یک فرد کمک کنند. در حادثه پلاسکو از دحام جمعیت در محل حادثه از جنبه‌های مختلف مشکل ساز بود؛ بودن افراد گوشه به دست هم برای افرادی که زیر آوار بودند تأثیری جز به تأخیر افتادن امداد رسانی‌ها نداشت هم برای خانواده نگران این افراد موجه خوبی نبود و هم برای آتش نشانیان و امدادگران که سعی می‌کردند در اسرع وقت خود را به آنسید دیده‌ها برسانند. متأسفانه برخی از این تماشاگران کاور آتش نشانی می‌پوشیدند تا بتوانند به ماجرا نزدیک‌تر شوند، البته نه برای کمک تنها برای کنجکاری شخصی؛ متأسفانه افراد زیادی هستند که نمی‌دانند در هر اتفاقی باید چگونه برخورد کرد و در حادثه‌ای نیازمند چه شرایط و فعالیت‌های است و تنها حضور صرفشان سبب می‌شود در انجام فعالیت‌ها و ارائه خدمات اختلال بوجود بیاید. بودن تماشاگران در حادثه و اتفاقی شرایط کار را سخت و استرس را افزایش می‌دهد، استرسی که تمرکز را که فاکتور اساسی‌ای است از بین می‌برد. این شرایط در حوادث گستردگی همچون پلاسکو حادث و چشمگیرتر نیز می‌شود. ما همانند مسائل و مقوله‌های دیگر نیازمند فرهنگسازی هستیم کاری که بر دوش رسانه‌ها به خصوص صابولیسما است، اگر چه انتظار می‌رود با پیشرفت تکنولوژی و سهل شدن ارتباطات، اطلاعات مردم از حساسیت‌های امداد رسانی در دقایق ابتدایی حادثه بالا بیاید اما متأسفانه گویی ما تنها به عکس و فیلم گذشتن در تلگرام و اینستاگرام بسنده کرده‌ایم چون با یک جستجوی ساده در اینترنت می‌توان به این اطلاعات دسترسی یافت. آتش نشانیان با امدادگران ارگان‌های عملیاتی هستند و در این زمینه نمی‌توانند وظیفه‌های به عهده بگیرند یکی از دلایل آن هم نداشتن قدرت اجرایی بالاتر در این زمینه است. البته با بازتابی که حادثه پلاسکو در رسانه‌های مختلف داشت و همه ما متوجه این مساله شدیم که حضور تماشاگران تاچه حد می‌تواند محل از راه خدمات باشد امیدواریم بعد از این در حوادث دیگر شاهد تماشاگران گوشه به دست نباشیم.



درونی خود و اخطارهای نیروهای انتظامی حاضر در محله حادثه را نادیده بگیرند و تبدیل شوند به تماشاچیان که دلخراشی مزاحمت‌شان گاهی برای امدادگران از خود فاجعه بزرگ‌تر است، البته عدم مسئولیت‌پذیری اجتماعی ما در شرایطی از این دست نیز به نظاره گر بودن محض افراد دامن می‌زند؛ عدم مسئولیت‌پذیری اجتماعی که در موارد مختلف به پراکندگی اجتماعی منجر می‌شود. یافته‌های روانشناسی بر این مساله تأکید دارند که هرچه تعداد افرادی که در صحنه حادثه حاضرند بیشتر باشد

هر مرگ و حادثه‌ای تنها برای مان حکم سوزهای جدید دارد برای جولان دادن در فضاهای مجازی با کلمات و جمله‌های کلیشه‌ای، شاید هم می‌خواهیم شاهد عینی ماجرا باشیم برای نقل قول به دیگران

به هر فردی که زندگی او در خطر است را اجباری کرده و کوتاهی را تنها به یک شرط قبول دارد در خطر بودن زندگی فرد ناظر یا شخص سوم به دلیل کمک، البته قوانین برزیل کمک نکردن یا عدم تماس با مراکز ارتباطی را در مواقع ضروری جرم تلقی می‌کند. شاید بد نباشد که رسانه‌ها نیز بیشتر به این مساله بپردازند چون خوشبختانه مطالعات ثابت کرده‌اند که آگاهی از این واقعیت روانشناختی موجب می‌شود بتوانیم واکنشی مستقل و هوشمندانه‌تر در مواقع بحرانی آینده داشته باشیم.

چرا تماشاچی شده‌ایم؟ شبکه‌های مجازی حالا چندوقتی می‌شود که بخش لاینفک زندگی ما شده‌اند و شاید خود ما نیز یکی از افرادی باشیم که در این دنیا با دوستان مجازی خود رقابت می‌کنیم. در واقع گویی اعتیاد پیدا کرده‌ایم؛ اعتیاد به لایک گرفتن، البته تغییر سریع موضوعات و عمر کوتاه محبوبیت تصاویر و اخبار از ویژگی‌های بارز دنیای مجازی است؛ ویژگی‌ای که حرص و ولعمان را برای شکار لحظه‌های خاص‌تر و هرچه سریع‌تر آلود کردن آن بیشتر و بیشتر کرده است.

افراد زیادی از تماشاچیان حوادث و اتفاقات بدون اینکه بدانند معنادار تشویق افراد مجازی شده‌اند و برای همین است که حاضرند برای ثبت لحظه‌ای از یک حادثه یا سانحه تمام هشدارهای

به نظرمسان فاجعه بود ولی پلاسکو آن را از یاد برد چون به جای ماشین‌ها آتش نشانی و امدادی خیابان در فرق تماشاچیان بود؛ تماشاچیان که بی‌تفاوت به ثانیه‌های حیاتی سعی داشتند گوشه‌های از سحر یا صورت خود را در سلفی آتش زبانه کشیده به آسمان ثبت کنند تا صحنه‌های مجازی بی‌بست نمانند و در مسابقه لایک گرفتن پیشتاز باشند، البته بعضی‌ها نیز برای هیجان ماجرا به خیابان کشیده شده بودند و هرچه بود ازدحامی بود که بی‌اعتنا به فاجعه، تنها حضور داشتند

عدم مسئولیت‌پذیری اجتماعی ما در شرایطی از این دست نیز به نظاره گر بودن محض افراد دامن می‌زند؛ عدم مسئولیت‌پذیری اجتماعی که در موارد مختلف به پراکندگی اجتماعی منجر می‌شود

از شهرنورد بودن تنها به تماشاچی بودن اکتفا کرده‌ایم و هر مرگ و حادثه‌ای تنها برای مان حکم سوزهای جدید دارد برای جولان دادن در فضاهای مجازی با کلمات و جمله‌های کلیشه‌ای. شاید هم می‌خواهیم شاهد عینی ماجرا باشیم برای نقل قول به دیگران. در این میان تنها چیزی که تماشاچی به آن شاید نمی‌اندیشد کمک به هم‌نوع و تسهیل امداد رسانی باشد. در حالی که منشور آزادی و حقوق بشر در کبک کانادا، کمک

لیلا مهداد | پلاسکو تکیده تاب دردهای کهنه‌اش را نیاورد و آتش به جانش افتاد. آژیرها خواب را بر خیابان استانبول حرام کردند تا آبی باشند بر آتشی که زبانه می‌کشید. آتش نشانیان در جنگال آتش و آوار گرفتار شدند و چهارراه استانبول در تب سوخت؛ تپی که درد عظیمی را فریاد می‌کرد، درد گله از ساختمان کهنه، از تجهیزات کم و شاید هم از ازدحام لغتی. ازدحامی که هلی‌کوپتر را در آسمان نگه داشت و حسرت نشستن بر زمین را بر دلش گذاشت تا نقش تماشاچی بودنش را

به خوبی ایفا کند و ثانیه‌های حساس را یکی پس از دیگری به قتلگاه ببرد، البته این قسه امروز و دیروز نیست و سال هاست که با هر فاجعه یا حادثه‌ای تماشاچیان دنیای واقعی مرگ‌ها و زخم‌ها را به نظاره می‌نشینند و برای دنیای مجازی خود لایک جمع می‌کنند. ما نظاره‌گران مرگ شده‌ایم، چه در ماجرای جاقوکنشی میدان کاج تهران که تنها ماجرا را با دوربین گوشی‌هایمان ثبت کردیم و سه شماره ژند اورژانس را از خاطر بردیم، چه آن هنگام که دختر لرستانی را با لنز دوربین‌هایمان در حال غرق شدن همراهی کردیم و بعد بی‌تفاوت کلیپ‌های آن را در شبکه‌های مجازی به اشتراک گذاشتیم. در ماجرای خودکشی‌ها که مدتی کابوس تهران شده بودند نیز میداندار ماجرا گوشی‌ها و لنزها بودند. واقعه میدان کاج

امداد در شلوغی میدان حادثه

حامد صدیقی | معاون امور جوانان استان یزد

این امکان وجود دارد که حادثه‌ای جدید رخ دهد. صحنه‌های آتش‌سوزی یکی از مهم‌ترین صحنه‌هایی است که می‌تواند برای تماشاگران مستعد حادثه باشد. باید به این نکته نیز توجه کرد که لزوماً در مدیریت صحنه حادثه تماشاچیان فقط نباید مورد توجه قرار بگیرند بلکه نکته‌ای که اهمیت دارد فقط در محل افرادی حضور داشته باشند که در آن عملیات نقش دارند و نیاز به حضورشان است. دیو و حضور بیش از حد نیروهای امداد رسانی بدون برنامه و نیاز، خود مشکل‌آفرین است. یکی از نکات حائز اهمیت این است که اگر تعداد نیروهای امداد رسانی بیش از حد باشد مدیریت این نیروها، فرسودگی نیرو برای حضورهای بعدی و ... از جمله مشکلات فرامدگی صحنه است. همچنین فراخوان ادارات و نهادهای مختلف هم حضور نیز از جمله مواردی است که در صورت عدم نیاز، می‌تواند در روند امداد اختلال ایجاد کند.

است که می‌تواند بهره‌وری را در حوادث پایین بیاورد. حضور تماشاچیان بخشی از انرژی‌ای که باید صرف عملیات شود را به مدیریت ازدحام جمعیت اختصاص می‌دهد که عواقب آن بر کسی پوشیده نیست؛ عواقبی که یکی از آنها اتخاذ تصمیم به‌موقع و مناسب است. عدم تمرکز به دلیل ازدحام تماشاچیان گاهی در حوادث سبب از دست دادن تماس رادیویی و بی‌سیم می‌شود و شاید سبب فراموش شدن منابع و تجهیزات مورد نیاز باشد. تماشاچیان که تنها موبایل به دست در بی ثبت سلفی‌های خود هستند شاید لحظه‌ای به این نیندیشند که ایمنی و سلامت آنها نیز یکی از دغدغه‌های امداد رسانی است. دغدغه‌ای که می‌تواند در حوزه دیگری صرف و به نتیجه برسد. نامن بودن محض افراد همیشه یکی از مسائلی است که از طرف تماشاچیان نادیده گرفته می‌شود در حالی که هر لحظه

ورود و خروج‌ها را کنترل کرد و فضای مناسبی برای امداد رسانی به وجود آورد. این اولین اقدام همیشه در حوادث مختلف در ایران به درستی صورت نمی‌گیرد و به همین دلیل امدادگران تا پایان امداد با مدیریت صحنه دچار مشکل هستند؛ مشکلی که تنها چاره آن فرهنگسازی برای افرادی است که اصرار دارند در زمان در امداد رسانی اهمیت حیاتی است یا به عبارتی زمان طلایی است؛ زمانی که می‌توان بهترین بهره‌ر از آن برد و متأسفانه در بیشتر حوادث تماشاچیان سبب مرگ این زمان را به وجود می‌آورند. مرگ این زمان که در بیشتر مواقع با حضور تماشاچیان موبایل به دست به وجود می‌آید کیفیت امداد رسانی را مختل می‌کند؛ چون جمعیت مانع حضور به موقع خودروهای امداد رسانی می‌شوند و در کنار این اختلال نبود تمرکز از مسائل اصلی

یکی از پدیده‌هایی که در زمان وقوع حوادثی مانند تصادف، منازعه یا آتش‌سوزی شاهدیم پدیده تماشاچی است. به این معنا که عده‌ای از مردم نه به قصد کمک که صرفاً با هدف تماشا جمع می‌شوند و هیچ مداخله‌ای در فرآیند نجات و امداد رسانی ندارند. آخرین مورد عمدی‌ای که از این پدیده در ایران شاهد بودیم در حادثه پلاسکو بود. از ابتدای آتش‌سوزی در ساختمان پلاسکو در صبح پنجشنبه عده زیادی از مردم گرد محل حادثه جمع شدند و محل امداد رسانی شدند، افرادی که خود نیازمند مدیریت جداگانه‌ای بودند. مدیریتی که تلاش‌ها و انرژی زیادی را صرف خود کرد و در انتها ناکامی را به جا گذاشت. تعیین حریم حادثه و ایجاد حلقه امنیتی اولین اقدامی است که در سواج و حوادثی نظیر زلزله، رانش، تصادف و ... انجام می‌شود. اقدامی که به کمک آن می‌توان